

تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی

غلامرضا ملکشاهی*

چکیده

بین اسلام و زندگی شهری، رابطه خاصی وجود دارد و ترویج اسلام با توسعه و ترویج زندگی شهری متجلی شده است. تاریخ اسلام، با پی‌ریزی و ایجاد انواع مختلف شهر آغاز شده است. اماکن مذهبی در شهرهای اسلامی از عناصر بنیادی اسکلت شهری و فرهنگ اسلامی به شمار می‌آیند. در این مقاله، مراحل گذر از مدل شهر اسلامی کلاسیک با مرکز تجمع سیاسی - مذهبی واحد (مسجد جامع) که در آن حکومت اسلامی شدیداً از عدالت و نفع هرگونه تمایزات اجتماعی - فرهنگی حمایت می‌کند، به یک مدل شهری کاملاً متفاوت، با اماکن مذهبی متعدد ولی با مرکزیت دارالاماره که در آن ارتباط بین افراد سیاسی و افراد مذهبی قطع شده است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی

اماکن مذهبی، شهرهای اسلامی، جغرافیای فرهنگی

مقدمه

اسلام به عنوان یک فضای فرهنگی و یک فضای ارتباطی ممتاز، بر مناظر شهری، سیمای ظاهری شهرها، ساختارهای آنها، نحوه کار آنها، ارتباط آنها با یکدیگر و با محیط اطرافشان تأثیر گذاشت. اسلام با دیگر مذاهب متفاوت است و دربرگیرنده یک مفهوم کلی سازماندهی زندگی، روی زمین می‌باشد و کم و بیش در مورد کلیه مسائل اجتماعی اظهارنظر می‌کند.

«ویلیام مارسه» (William Marçais) اسلام‌شناس بزرگ فرانسوی در مقاله‌ای که در سال ۱۹۲۸م. تحت عنوان «ایدئولوژی اسلامی و زندگی شهری»^(۱) ارائه کرده است، نشان می‌دهد که بین اسلام و زندگی شهری رابطه خاصی وجود دارد. وی در این کار

* استادیار دانشگاه مازندران.

تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی..... ۱۶۲

تحقیقی ثابت می‌کند که ترویج اسلام با توسعه و ترویج زندگی شهری متجلی شده است. وی همچنین در این مقاله تکثر شهرها را در فرهنگ اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد.

اسلام جهت تحقق آرمانهای خود به شهر نیاز دارد. یکی از مراحل حساس زندگی پیامبر اکرم(ص)، هجرت ایشان از مکه به سمت آبادی «یثرب» است که بعدها نام «مدینه» یا شهر را، به خود اختصاص داده است.

توجه به شهر و شهرنشینی در نظر اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است. کل تاریخ اسلام، از ابتدای پیدایش آن با پی‌ریزی انواع مختلف شهر آغاز شده است. به منظور اثبات هویت فرهنگی شهرسازی اسلامی در مقابل شهرهای مسیحی در دوره‌های گذشته، دو گونه شهر در امپراتوری اسلامی شکل گرفت: نوع اول، شهرهای قدیمی که در دوره جدید رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند. مانند: دمشق، اورشلیم ...

نوع دوم، شهرهایی که در دوره اسلامی بنیانگذاری شدند. این گونه شهرها را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

الف. شهرهایی که در محل اردوگاههای نظامی کنار شهرهای قدیمی ایجاد شده‌بودند، مانند شهر فسطاط^(۲) که بعدها قاهره نامیده شد و در نزدیکی قلعه رومی بابل^(۳) بنا گردید.

ب. شهرهای تازه‌سازی که دور از سکونت‌گاههای قدیمی ساخته شدند، مانند: کوفه، ...

ج. شهرهای تازه‌سازی که به عنوان محل تمرکزی و مظهر وحدت سیاسی امپراتوری اسلامی ساخته شدند، مانند: بغداد، مراکش، ...

د. شهرهای تازه‌سازی که به دلیل تغییر اقامتگاه خلفا و سلاطین بنا می‌شدند. مانند: سامره، ...

ه. شهرهای تازه‌سازی که به صورت رباط (قلعه‌های نظامی) بنا می‌شدند، مانند: رباط (پایتخت مراکش)

و. شهرهای تازه‌سازی که در پیرامون شهادت‌گاهها و مزار پیشوایان دینی بنا می‌شدند، مانند: کربلا، مشهد، قم، ...

از جمله شهرهای بزرگ و پراهمیتی که در اوایل دوره اسلامی بینانگذاری شد و می‌توان آنها را نام برد، بغداد، بصره، کوفه، فسطاط، کربلا و... می‌باشند.^(۴)

تکثر شهرها در سرزمینهای اسلامی با توسعه نوعی شهرسازی اسلامی همراه بوده است. این سیستم جدید فرهنگی که عمدتاً نشأت گرفته از قرآن است، برپایه سادگی استوار است. به همین دلیل شهرهای سنتی اسلامی، پیچیدگی شهرهای یونانی و رومی را ندارند. به عنوان مثال: این‌گونه شهرها، فاقد «فروم» کلیسای بزرگ، تئاتر، آمفی تئاتر و... می‌باشند.^(۵) آنچه که در شهرهای اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است وجود عناصری مانند اماکن مذهبی، قصر (دارالاماره)، بازار، حمام عمومی و میدان است.

مسلماً اسلام از شبکه دوره آنتیک استفاده کرده است، ولی تغییرات وسیعی نیز در آن ایجاد نموده، درحالی که اروپای قرون وسطی، تغییرات بسیار ناچیزی در شبکه شهری دوره آنتیک ایجاد کرد. این یکی از تفاوت‌های عمده شهرسازی اروپای در دوره قرون وسطی با شهرسازی اسلامی به شمار می‌آید.

«ورث» (Eugen Wirth) مستشرق معروف آلمانی معتقد است که «شهرهای اسلامی از بسیاری جهات هیچ تفاوتی با شهرهای مشرق زمین ندارند و نقش اساسی اسلام نوعی تعیین جهت برای این گونه شهرهاست. اسلام شهر را بر مبنای الگوی متفاوتی که به وسیله شهرسازی یونانی و رومی به کار گرفته شده است، هدایت می‌کند و نقش اساسی اسلام این است که این الگوی شهرسازی مشرق زمین را در سطح وسیعی از اقیانوس اطلس تا آسیای مرکزی و در بعضی موارد تا اندونزی گسترش دهد. از نظر «ورث» اصالت کامل شهرهای اسلامی که تنها عنصر واقعاً جدید شهرسازی اسلامی به شمار می‌رود، همانا ساختارهای تجاری آنهاست.^(۶)

شهر از نظر اسلام مکان برگزاری نماز جمعه است. خداوند در قرآن در سوره جمعه، آیه هشت، مردم را به نماز جمعه دعوت می‌کند.

در صفحات بعد سعی خواهد شد تا نحوه تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی، که از عناصر بنیادی اسکلت شهری و فرهنگ اسلامی به شمار می‌آید و همچنین نحوه دگرگونی‌های جامعه اسلامی از روزگاریگانگی نخستین، که در آن دین و دولت یگانه بود، به دوره‌ای که در آن پادشاهی‌های گوناگون در مناطق مختلف پدید

تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی..... ۱۶۴

می‌آیند و سرانجام جنبه‌های اجتماعی و دینی اسلام از امور سیاسی جدا می‌شود،^(۷) مورد بررسی قرار گیرد. در این بررسی، علاوه بر مسجد، انواع دیگر اماکن مذهبی مانند: مقبره، مدرسه، خانقاه، تکیه، حسینیه نیز مورد توجه قرار خواهند گرفت. چگونه در یک شهر اسلامی معماری که پاسخگوی این گونه نیازها باشد، توسعه یافت؟

استقرار اماکن مذهبی به عنوان یکی از عناصر اصلی اسکلت شهری، نتیجه تغییراتی کند و درازمدت است. تصویری که ما امروزه از نحوه پراکندگی اماکن مذهبی در شهرهای اسلامی داریم نتیجه یک دسته تغییراتی است که چندین قرن به طول انجامیده و در چند دوره متمایز نمایان شده است. این تغییر و تحولات را می‌توان در چهار دوره مورد بررسی قرار داد:

دوره اول: از آغاز اسلام تا حکومت امویان (سال ۴۰ ه.ق.)

یگانگی قدرت سیاسی و مذهبی

از آغاز تا چهار دهه بعد از پیدایش اسلام، در شهرهایی که به دست اولین فاتحین مسلمان ایجاد گردید تنها یک مرکز تجمع در آن وجود داشت. گرایش کل جامعه نیز به سمت تنها مکان مذهبی بود که به طور کلی و در مدت زمانی طولانی در مرکز شهر قرار داشت. این مکان مذهبی مسجد نامیده می‌شد.

در این دوره مسجد صورتی ساده و بی‌پیرایه دارد. الگوی آن مسجدالنبی در مدینه است. با ساده‌ترین مصالح، بخصوص مصالح موجود در محل و با معماری بسیار نزدیک به بافت ساخته‌شده پیرامون. این مسجد مکانی است که در حیاط آن دستورات به اطلاع امت رسانیده می‌شود. مسجد مکانی است که محل استقرار دولت اسلامی نیز می‌باشد.^(۸)

این مکان که تنها مکان تجمع مسلمین در شهر اسلامی در این دوره بود، با توجه به متون موجود، حداقل در مورد سه شهر شناخته شده است که به ترتیب قدمت آنها عبارتند از:

«بصره» (ساخته شده در سال ۱۴ ه.ق.)

«کوفه» (ساخته شده در سال ۱۷ ه.ق.)

«فسطاط» که همان قاهره قدیم است. (ساخته شده در سال ۱۸ ه.ق.)^(۹) این مساجد دارای طرحی شبستانی بودند.

در این دوره در شهرهایی که به دست مسلمانان ساخته شده بودند، علاوه بر مسجد مرکزی شهر جدید که هدفش گردآوری کل جامعه بود، تعدادی مراکز مشابه مختص گروههای کوچکتری از جامعه، به نام مساجد قبیله‌ای وجود داشت، که در دیگر نقاط شهر پراکنده بودند. این موضوع در مورد شهر کوفه، در یک کار تحقیقی به نام «توضیح نقشه کوفه» که محقق آن برای ما ناشناخته است، (شرح وقایع از انسیتو فرانسوی باستانشناسی مشرق زمین)^(۱۰) به اثبات رسیده است.

بلاذری در کتاب فتوح البلدان، ص ۱۱۰ در مورد گروه‌بندی‌های قومی و قبیله‌ای می‌نویسد:

«محل استقرار مردم در شهر نیز از آغاز بر پایه گروه‌بندی قومی و قبیله‌ای استوار بود. در کوفه، نخست مردم به دو گروه نزاری و یمنی (اعراب شمالی و اعراب جنوبی) تقسیم و در دو محل (ناحیه شرق و ناحیه غرب مسجد) ساکن شدند. اما پس از مدتی، در اثر مشکلات ناشی از طبقه‌بندی مزبور، ساکنان کوفه را به هفت گروه، بر پایه اشتراکهای قومی تقسیم کردند و هر گروه را در بخشی جای دادند و...»^(۱۱).
در اولین شهرهایی که به دست مسلمانان فتح شد و خصوصاً در مورد دمشق و اورشلیم، اطلاعات دقیقی در دست است که در این شهرها تنها یک مسجد مرکزی ساخته شد و این مسجد مرکزی در کنار مکانی جای داشت که قلب شهر قبل از اسلام بود. این مکان «اگورا» یا «فروم»^(۱۲) نام داشت.^(۱۳) ولید بن عبدالملک یکی از خلفای اموی برای ساختن مسجد با شکوه دمشق بخشی از کلیسای یوحنا را خراب کرد. این عمل وی که نوعی بی‌احترامی به بنای دینی اهل کتاب شمرده می‌شد، بی‌سابقه بود.^(۱۴)

هیچ اصطلاح دیگری به استثنای کلمه «مصلی»، جایگزین مسجد نشده است. کلمه مصلی که مفهومش مکان عبادت است، از این دوره به بعد در تمامی ادوار تمدن اسلامی به مکانی اطلاق می‌شود که در خارج از دیوارهای شهر واقع شده است، جایی که کل جامعه فقط دوبار در سال جهت برپایی دو جشن بزرگ اسلامی (عیدغدیر و عید قربان) گرد هم جمع می‌شدند و مراسم خود را اجرا می‌کردند.^(۱۵)

دوره دوم: ۴۰ ه.ق. - ۱۳۲ ه.ق.

دولت اسلامی در دوران بنی‌امیه و شکل‌گیری مدل شهر اسلامی کلاسیک با

مرکز مذهبی واحد:

سلسله خلفای اسلامی از خاندان بنی‌امیه که پس از خلفای راشدین در سال ۴۰ ه.ق. زمام حکومت ممالک اسلامی را در دست گرفتند، خلافت انتخابی روحانی را به سلطنت ارثی مبدل ساختند. مؤسس این سلسله معاویه بن ابوسفیان بود.

یکی از ویژگیهای مهم دین اسلام، عدم جدایی مسایل دینی از مسایل سیاسی است. این جنبه از اسلام، موجب می‌شود که حکومت و اداره امور جامعه، جنبه‌ای مذهبی داشته باشد و طبعاً حاکم جامعه اسلامی نیز می‌بایست به گونه‌ای از مشروعیت مذهبی دست می‌یافت. واژه خلافت که نمایانگر جانشینی و تداوم نقش مذهبی - سیاسی پیامبر(ص) می‌باشد، گویای بینش مسلمانان درباره تداخل مسایل مذهبی و سیاسی در یکدیگر است. همچنین واژه امامت، به معنی رهبری جامعه، دارای دو مفهوم سیاسی و مذهبی است و امام کسی است که هم باید صلاحیت و مشروعیت و تأیید مذهبی می‌داشت و هم از عهده اداره و رهبری جامعه برمی‌آمد. اهمیت جنبه مذهبی حکومت، سبب شد که حداقل از لحاظ نظری، وظایف و تکالیف مذهبی خلیفه از مسؤولیتهای سیاسی او اهمیت بیشتری داشته باشد و گفته شود که منصب «پیش‌نمازی» از مقام پادشاهی نیز بالاتر و مهمتر بوده است.^(۱۶)

با توجه به اهمیتی که مقام پیش‌نمازی مسجد بزرگ داشت، بیشتر خلفا این مقام را برای خود حفظ می‌کردند. «برخی از خلفای اموی هم با وجود عدم خلوص، این‌مهم را خود انجام می‌دادند، اما به تدریج با دور شدن آنها از مردم و عدم توجه به امور دینی، برای امور جانشینی به جای خود برمی‌گزیدند و خود تنها در برخی ایام مثل نماز عیدین و گاه نماز جمعه و استسقا شرکت می‌کردند.»^(۱۷) در این دوره «در عین آنکه مسجد در ربط کامل با قدرت دولت اسلامی است، ولی در کنار خود دارالاماره را به عنوان مقر حکومت دارد. حکومت اموی در این دوران بنای مسجد جامع و دارالاماره را همزمان شروع می‌کند. بین مسجد و دارالاماره فاصله‌ای اندک

وجود دارد و از بسیاری موارد از طریق ارتباطی سرپوشیده دو بنا به یکدیگر مرتبط می‌شدند.»^(۱۸)

در این دوره شهر مکانی است که دارای جامع باشد، کلیه مساجدی که در این دوره ساخته شده بودند شبیه به یکدیگر بودند. این مساجد که به «طرح عربی» معروف است به صورت زیر تعریف شده است:

فضای محصور با زاویه قائمه که شامل حیاط و محوطه‌ای سرپوشیده در طرف قبله است حرم یا شبستان شامل ستونهای زیادی است که سقفی مسطح بر آن تکیه دارد یا طاقگانی که تکیه‌گاه سقفی شیب‌دار است. تأکید بر حائل‌ها با فواصل منظم و نسبتاً نزدیک باعث شده است که این سبک را ستون‌دار یا پرستون (چهل ستون) (hypostyle) بنامد ...^(۱۹)

فضای ساخته شده کل فضای مسجد را دربر نمی‌گرفت. قسمتی از این فضا به صورت فضای باز باقی می‌ماند و در این جا تفاوت بین سالن نیایش که سرپوشیده است و حیاط مسجد که فضایی برای اجتماعات قبل از نیایش می‌باشد، آشکار می‌گردد. نسبت میان فضای باز و فضای سرپوشیده طبیعتاً متغیر است و بتدریج که نیازهای جامعه و روش ساختمانی تغییر می‌یابند، نسبت فضای ساخته شده افزایش یافته، از فضای ساخته نشده کاسته می‌گردد. همه این بناها بسته هستند، ولی فاقد نمای ظاهری از بیرون می‌باشند.

کلیه مساجدی که در این دوره بنا گردیده‌اند با میل و اراده دستگاههای حکومتی بوده است. تنها خلیفه قادر بود فرمان بنای مسجد را صادر کند.^(۲۰) نتیجه این امر و اثری که بر ساختار شهر داشت این بود که مسجد در مجاورت قصر واقع گردد.

سه مسجد مهم در دوره امویان و در زمان خلافت ولید اول ساخته (و یا بازسازی) شد. مسجدهای بیت المقدس و دمشق ساخته شدند و مسجد مدینه بازسازی شد. احداث بناهایی با شکوه در سه شهر مهم جهان اسلام، آغازی بود که این بناها با بهترین نمونه‌های معماری مسیحی رقابت کنند.^(۲۱)

ظاهراً در اوایل قرن دوم هجری مدل شهر اسلامی کلاسیک شکل می‌گیرد. اصولاً تنها یک مسجد در شهر وجود دارد و نظر به تعداد اموری که در این مکان انجام می‌پذیرد، مسجد به عنوان تنها کانون گردهمایی شهر اسلامی، در این دوره ظاهر

می‌گردد. مسجد نه تنها مکان مذهبی است، بلکه مرکز زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز به شمار می‌آید. از جمله اموری که در مسجد صورت می‌گرفت این بود که:

محل زندگی خلیفه و نمایندگان وی در مجاورت مسجد واقع شده بود به نحوی که غالباً با راهرو خاصی به سالن نیایش مربوط می‌شد.

مسجد مرکز ستاد ارتش بود. از ابتدای تاریخ اسلام، کلیه سربازگیری‌ها در این مکان انجام می‌گرفت و در این جا بود که شوراها جنگ تشکیل می‌گردید و سازماندهی قوا انجام می‌گرفت.

مسجد، جایگاه کلیه گردهمایی‌های سیاسی و مسایل غیرنظامی و حقوقی و مالی بود. ارگانهای مختلف اداری، جایگاه نگهداری بیت‌المال و محکمه در آنجا مستقر بودند. مسجد، یک مکان آموزشی بود و تا قرن چهارم هجری هیچ‌کدام دیگر این وظیفه را به عهده نداشت.

مسجد، محل استقرار موقت استادان جدید و تازه وارد بود.

مسجد، محل استقرار کتابخانه بود.

«مدرسین در مساجد به تدریس علوم دینی و کلام مشغول بودند. کسانی که در مساجد بزرگ تدریس می‌کردند باید از خلیفه اجازه دریافت می‌نمودند.»^(۲۲)

کلیه فعالیتهایی که برشمرده شد و روابطی که از این فعالیتها ناشی می‌شوند در مکانی متمرکز می‌گردند که ما از این پس مسجد بزرگ جامع می‌نامیم. به این ترتیب شهرهایی نو بنیاد شکل می‌گیرند و شهرهایی تسخیر شده به دست مسلمانان بتدریج با توجه به فرهنگ شهرسازی اسلامی تغییر می‌یابند و ارتباط آنها با سیستم شهری شهرهای آنتیک یونانی رومی قطع می‌شود. شهر آنتیک نیز دارای یک مرکز تجمع فعالیتها می‌باشد، میدان مرکزی شهر، «اگورا» مرکز فعالیتهای اجتماعی، سیاسی، بازرگانی و مذهبی است.

تفاوتهای عمده بین اگورا و مسجد به صورت زیر است:

«اگورا فضایی باز به شکل میدان است که با دیگر نقاط شهر مرتبط است؛

در حالی که مسجد فضایی است بسته و محصور.

اگورا فضایی است غیرمذهبی (Laique) که عمدتاً جهت اهداف سیاسی و بازرگانی ایجاد گردیده است و امور مذهبی در آن محوریت ندارد، در حالی که مسجد یک فضای مذهبی و مقدس است.

دوره سوم: ۱۳۲ ه.ق. - حدود ۴۰۰ ه.ق.

افزایش تعداد اماکن مذهبی از آغاز دوران خلافت عباسی تا شکل‌گیری حکومت‌های قدرتمند محلی

عباسیان سلسله‌ای از خلفای اسلامی هستند که به کمک ایرانیان و به سرداری ابومسلم خراسانی در برابر ظلم و ستم خلفای بنی‌امیه قیام کردند و از سال ۱۳۲ ه.ق. تا ۶۵۶ ه.ق. حکومت کردند.

در دوره سوم، نفوذ ایرانیان در اداره امور حکومت عباسی قابل توجه است. تغییراتی که در نحوه اداره امور صورت می‌گیرد موجب می‌شود که قدرت سیاسی دولت از قدرت مذهبی آن جدا شود و قدرت سیاسی تسلط خود را بر قدرت مذهبی اعمال کند. به این ترتیب جدایی کامل جامع از دارالاماره مشاهده می‌شود. (۲۳)

مدل شهر اسلامی کلاسیک با مرکز مذهبی واحد در این دوره تغییر شکل می‌یابد. با رشد و گسترش شهرهایی بزرگ، تعدادی از آنها، با دارا بودن تنها یک مسجد جامع، قادر به تأمین نیازهای جامعه نبودند و از این پس در اغلب شهرهای بزرگ به جای مسجد جامع مرکزی، چندین مسجد بزرگ، با اهمیت یکسان بنا گردیدند.

بدون شک مهمترین عامل افزایش تعداد اماکن مذهبی رشد جمعیت بوده است، ولی نمی‌توان آن را تنها عامل به شمار آورد. نیکنامی خلیفه و یا فرماندار نیز می‌تواند یک عامل مهم دیگر به شمار آید که هر سلسله جدید و هر خلیفه‌یی مایل است مسجدی به نام خود بسازد. به این ترتیب پدیده آفرینشهای سلسله‌ای آشکار می‌شود. به عنوان مثال: در شهر قاهره در نیمه قرن سوم ه.ق مسجد بزرگ «ابن طولون» بنا گردید و در قرن چهارم ه.ق «فاطمیان» در شهر جدید خود اقدام به ساخت مسجد «الازهر» کردند. (۲۴)

در بسیاری از شهرها مسجد جامع ظرفیت پذیرش نمازگزاران را نداشت و در عوض در بعضی شهرها، آن یک مسجد جامع نیز رونق نداشت. به همین جهت

عده‌ای خواستار ایجاد چند جامع در شهرهای بزرگ شدند، اما تا مدت‌ها، دستگاه خلافت با این کار مخالفت می‌کرد تا این که بالاخره تاب مقاومت نیاورد و تعداد مساجد جامع در شهرهای بزرگ رو به فزونی گذاشت. بغداد با وجود بیست و هفت هزار مسجد و محراب و اماکن متبرک تنها دارای دو مسجد جامع بود که هر کدام در یک سوی دجله قرار داشتند. پس از آنکه محدودیت فوق برداشته شد، در قرن دوازده میلادی (پنجم‌ه‌ق) ابن جبیر شاهد یازده مسجد جامع در بغداد بود.^(۲۵)

از این پس مسجد، دیگر یک مرکز واحد به شمار نمی‌آید و بدین ترتیب وابستگی آن به قصر خاتمه می‌یابد. قصر خلیفه از این دوره به بعد، الزاماً در مجاورت مسجد قرار نداشت. به وجود آمدن سلسله جدید، تأسیس قصر جدید را نیز به دنبال داشت و غالباً این قصر در یک شهر جدید و گاهی اوقات در کنار شهر قدیمی احداث می‌شد. وجود چند مسجد جامع در یک شهر و در محله‌های مختلف موجب شد که در حول و حوش هر یک از اماکن مذهبی توسعه شهری صورت گیرد و محله‌هایی به وجود آیند و مفهوم مرزبندی‌های محله‌ای در فضای جغرافیایی شهر ظاهر شود. قبلاً توضیح داده شد که محل استقرار مردم در شهر از آغاز بر پایه گروه‌بندی‌های قومی و قبیله‌ای استوار بود، به تبع این تغییرات مرزبندی‌های محله‌ای بر مبنای جدایی نژادی، فرهنگی، مذهبی و مانند آن نیز شکل می‌گیرد.^(۲۶) به عنوان مثال می‌توان به شکل‌گیری محله‌هایی مانند محله بزرگان و علما در نیشابور، محله زرتشتیان در کرمان و محله‌ها و کوی‌های مهاجران بلخ، مرو و غیره در بغداد اشاره کرد.^(۲۷)

دوره چهارم: بعد از سال ۴۰۰ هـ.ق.

شکل‌گیری ساختار جدید بناهای مذهبی

این دوره، با ساختار جدید بناهای مذهبی آغاز شد. به جای بناهای چهل ستون و قابل گسترش در کلیه جهات بناهای باشکوهی با ساختارهای پیچیده ظاهر می‌شوند و طرح مساجد چهار ایوانی از دوره سلجوقیان شکل می‌گیرد.

آندره گدار در اثر تحقیقات خود به این نتیجه رسید که مدرسه نظامیه «خوارگرد» (خرگرد) یکی از اولین بناهای چهار ایوانی ایرانی است که تاکنون شناخته شده است.^(۲۸) او عقیده دارد که طرح این مدرسه نمونه‌ای بود که مساجد را با توجه به آن تبدیل به فضایی چهار ایوانی کردند. احتمالاً یکی از اولین مساجدی که تغییر شکل داد،

مسجد جامع اصفهان بود که تاریخ اولین بنای آن متعلق به سال ۱۵۶ ه.ق. است و سپس در طی زمان بارها توسعه داده شد، چنانکه ستون‌هایی از دوره دیلمیان^(۲۹) در آن یافت شده است. مهمترین تغییری که در بنای مسجد به وجود آمد در اواخر قرن ششم هجری با بنای دو گنبد در جناح جنوبی و سپس شمالی مسجد و پس از مدتی با تبدیل طرح شبستانی به طرح چهار ایوانی صورت گرفت. پیش از اسلام هم در بناهای عظیم از طرح چهار ایوانی استفاده می‌کردند و یکی از نمونه‌های آن کاخ اشکانی آشور است.^(۳۰)

در این دوره مسجد نمایی داخلی داشته و به یک اثر معماری سازماندهی شده با شکوه تبدیل می‌شود. این نوع مساجد از قرن چهارم ه.ق به بعد توسعه می‌یابند. ساختمان این نوع مساجد، دیگر به طور نامحدود در جهت‌های مختلف قابل گسترش نیست و سالن‌های آن به وسیله گنبدهایی محدود شده‌اند که شکل آن به آسانی قابل تغییر نیست.

در ایران عهد مغول و خصوصاً بعد از مغول مساجد به صورت بناهای بسیار با شکوه ظاهر شده‌اند و توسعه یافته‌اند و همزمان تعداد اماکن مذهبی در شهر نسبت به دوره قبل افزایش یافته است.

افزایش دیگر اماکن مذهبی

افزایش تعداد اماکن مذهبی که قبلاً با توسعه و افزایش مساجد بزرگ ظاهر گردیده بودند، این بار با اضافه شدن تعداد زیادی از انواع دیگر اماکن مذهبی جدید پدیدار می‌گردند:

۱- مقبره

ابتدا مقبره‌های اشخاص مهمی ظاهر گردیدند که عنوانهای مختلفی به آنها نسبت داده شده بود. به عنوان مثال: به زبان عربی آن را «مشهد» می‌گویند و به ترکی «تربت» نامیده می‌شود. در مجاورت این گونه مقبره‌ها معمولاً یک مسجد نیز قرار دارد.

۲- مدرسه

گرچه مدرسه قبل از این دوره نیز وجود داشته است، ولی از این دوره به بعد تعداد آن به طور قابل توجهی افزایش یافت. همانطور که اشاره شد قبل از این دوره، مسجد

به عنوان مکان آموزشی مورد استفاده قرار می‌گرفت. با ظهور مدارس در سطح وسیع در سرزمینهای اسلامی، مسجد دیگر تنها مکان آموزشی نبوده است.

شرایط شکل‌گیری مدرسه

ایجاد مدرسه در نواحی شرق ممالک اسلامی در قرن پنجم ه.ق. ابتدا با حمایت کلی مردم و سپس با پشتیبانی سلجوقیان آغاز شد. در این دوره اختلافهای بین پیروان بعضی از فرقه‌ها و مذاهب شدت یافته بود. احمد اشرف در مقاله «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران» می‌نویسد:

«مذهب مهمترین عامل همبستگی اجتماعی و هم از مهمترین عوامل و وسایل دسته‌بندی، ستیزه‌جویی و کشاکش در شهر بود. به بیان دیگر در شهرهای ایرانی پیروان مذاهب اصلی تسنن (شافعی، حنبلی، حنفی و مالکی) و فرقه‌های کرامیه، معتزله، اسماعیلیه و دیگر مذاهب شیعی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی داشتند. هر فرقه معمولاً در محله‌یی سکونت داشت و برای خود بازارچه، مسجد، تکیه و حسینیه داشت. وجود فرقه‌های مختلف در شهرها غالباً زمینه مناسبی برای بروز اختلافات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیر عنوان تضادهای مذهبی فراهم می‌کرد...»^(۳۱)

با توجه به وضعیت یاد شده، مدرسه «نظامیه» نیشابور، در نیمه دوم قرن پنجم ه.ق. تحت نفوذ خواجه نظام الملک، وزیر دربار سلجوقی ایجاد شد و به دنبال آن در بسیاری از شهرهای دیگر مانند: بغداد، بلخ، هرات، اصفهان و... توسعه یافت. اهمیت این مدارس که خاص شافعیه بود به حدی است که بعضی از مؤلفان قدیم را به اشتباه افکند و آنان را بر آن داشته است که نظام الملک را نخستین بانی مدارس در اسلام بدانند. لازم به ذکر است که در شهر نیشابور پیش از تولد نظام الملک مدارس دیگری وجود داشته است، که مهمترین آنها «بیهقیه» و «سعدیه» بوده است. ولی از آنجا که خواجه نظام الملک نظم خاصی برای مدارس نظامیه ایجاد کرد و آنها را به صورت آموزشگاههای مرتب شبانه‌روزی درآورد و در سطح وسیعی از سرزمینهای اسلامی گسترش داد، عده‌ای وی را نخستین بانی مدارس در اسلام می‌دانند.^(۳۲)

با توجه به اختلافات مذهبی که بین فرقه‌های مختلف یاد شده در این دوره وجود داشت و با توجه به این که مدارس نظامیه، خاصاً شافعیه بوده است، ساخت این مدارس، به عنوان یک نهاد فرهنگی، می‌تواند نوعی عکس‌العمل فرقه‌ای به شمار آید. مدرسه در قرن ششم ه.ق. در سوریه و مصر و در قرن هفتم ه.ق. در آفریقای شمالی ظاهر شد و در مدت دو قرن در کلیه سرزمینهای اسلامی اطراف مدیترانه رواج یافت.

علل بررسی مدرسه به عنوان مؤسسه آموزشی

علت آن این است که آموزش قبلاً جزء وظایف مسجد بوده که به مدرسه واگذار شد و از این پس مدارس در نقاط مختلف شهر این وظیفه را به عهده گرفتند؛ از طرفی دیری نگذشت که در بعضی موارد، نمازهای روزانه و حتی نماز جمعه نیز در مواردی در مدرسه برگزار می‌شد و به این ترتیب مدرسه نیز به یک مکان مذهبی تبدیل شد. مدرسه با وجود تفاوتی که از نظر معماری با مسجد داشت، از نظر مذهبی، بسیاری از وظایف مسجد جامع را دارا بود.

جدایی قدرت سیاسی از قدرت مذهبی و تسلط قدرت سیاسی بر قدرت مذهبی باعث شد که در ادوار مختلف بعضی از مخالفان حکومت‌های محلی از مسجد و در جوار آن مدرسه به عنوان پایگاهی برای مبارزه استفاده کنند. مسجد و مدرسه مقر افرادی می‌شود که همانند آغاز شکل‌گیری حکومت اسلامی، به یگانگی قدرت سیاسی و قدرت مذهبی اعتقاد دارند. این افراد با پرداختن به امور مذهبی، علوم الهی و معارف اسلامی، به عنوان نهادهای ضد قدرت در مقابل حکومت‌های محلی به مبارزه می‌پردازند و در پی کسب قدرت سیاسی هستند. به عنوان مثال: به قدرت رسیدن خاندان آل برهان در بخارا، آل میکائیل در نیشابور، یا شیخ مجدالدین شیرازی در شیراز گواه بر این امر هستند.^(۳۳)

۳- خانقاه

نوع دیگری از اماکن مذهبی است که جایگاه تجمع اعضای برخی از سازمانهای مذهبی است و تقریباً در این دوره توسعه یافت. این اماکن به زبان فرانسه «کوان»

تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی..... ۱۷۴

(Couvent) یا «مناستر» (Monastere) نامیده می‌شود که محل اقامت صوفیان و درویش بوده است. مترادف این لغت در آفریقای شمالی کلمه «زاویه» است. در قسمت شرقی سرزمینهای اسلامی، اسامی دیگری برای این مکان به کار برده می‌شود. برای لفظ خانقاه دو معنی بیان شده: نخست آنکه آن را عربی شده «خانه‌گاه» دوم آن را اصل «خوان‌گاه» به معنی محل سفره‌خانه و جایی که از غریبان و مسافران پذیرایی می‌شود، دانسته‌اند. به هر روی خانقاه محل اقامت، تزکیه، تعلیم و خلوت صوفیان و درویش است. صوف به معنی پشم و جامه پشمی است و از آنجا که عرفای زاهد، پشمینه به تن می‌کردند به صوفی ملقب گشتند.^(۳۴)

اهل خانقاه به دو طایفه تقسیم می‌شوند که عبارت از مسافران و مقیمان می‌باشد. مقیمان نیز سه طایفه‌اند، اهل خدمت، اهل محبت و اهل خلوت.^(۳۵)

فضاهای خانقاهها عموماً شامل این بخشها می‌باشد: نخست تالار بزرگی که برای تجمع در مواقع ذکر یا سماع و یا صرف طعام به نام جماعت‌خانه و اتاقهای متعددی برای اقامت سالکان و خادمان و نیز حجره‌یی برای پیر که در هر خانقاه تنها یک نفر چنین سمی را دارا می‌باشد و حجرات و زوایا و حتی فضاهای بسیار کوچکی به صورت حفره که تنها برای یک نفر به سحتی گنجایش دارند، برای خلوت و چله‌نشینی و همچنین مطبخ و اتاقهایی برای مسافران.^(۳۶)

مقدسی صاحب کتاب احسن التقاسیم در قرن چهارم هجری. و هجویری در قرن پنجم هجری. و ابن بطوطه در قرن هشتم هجری به خانقاه و زوایای بسیاری در سرزمینهای اسلامی اشاره می‌کنند.^(۳۷)

۴- تکیه

برای کلمه تکیه از نظر لغوی دو مفهوم ذکر شده است: ۱- محل یا موضعی که به آن پشت داده می‌شود و در اصطلاح به معنی خانقاه و محل برگزاری تعزیه است. ۲- تکیه به معنی بنای بلند (تعریف استاد محمدکریم پیرنیا).^(۳۸)

تکایا معمولاً در مرکز محله مستقر هستند و در طول سال مورد استفاده قرار می‌گیرند. از ویژگیهای تکایای ایران می‌توان به این نکته اشاره کرد که دارای صحنه‌ای گرد هستند که در نوع خود کم‌نظیر است. صحنه نمایش در تئاترهای یونانی به صورت نیم‌دایره بوده است.^(۳۹) صحنه گرد در اروپا که چند دهه‌ای قدمت دارد

از تعزیه‌های ایران اقتباس شده است. تکایا در کشورهای ترکیه و ایران بسیار فراوان هستند.

۵- حسینیه

حسینیه یک مکان مذهبی است که تنها برای روضه‌خوانی و احتمالاً سینه‌زنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. حسینیه‌ها اکثراً منازل مسکونی بودند که در هنگام عزاداری مورد استفاده قرار می‌گرفتند. تعزیه در حسینیه‌ها نیز اجرا می‌شد.^(۴۰) در کلیه این اماکن مذهبی مکانی برای برگزاری نماز و نیایش اختصاص داده شده بود.

به این ترتیب، اماکن مذهبی در شهر به طور قابل توجهی افزایش یافته و پراکنده شده بود. نتیجه این امر تغییرات عمده‌ای است که در اصطلاحات (Terminologie) به وجود آمد. از این دوره به بعد کلمه مسجد فقط به بناهایی که در دوره اخیر ایجاد گردیده بود، اطلاق می‌شد و بتدریج فقط به اماکنی گفته می‌شد که در آنها نمازهای روزانه به جای آورده می‌شد؛ در حالی که مساجد بزرگ که یادگار دوره اول بودند، مسجد جامع یا «مسجد جمعه» نامید می‌شدند که مکان گردهمایی روز جمعه است. بتدریج نام مسجد جامع به شکل ساده و کوتاه جامع تبدیل شد.

زمان دقیق این تغییر و تحولات در نحوه نامیدن این اماکن دقیقاً مشخص نیست، ولی نویسندگان اواخر قرن چهارم ه.ق. به طور معمول از این اصطلاح استفاده می‌کردند. به عنوان مثال: ناصر خسرو قبادیانی در سفرنامه خود در توصیف شهر بندری مهروبان که در قرن چهارم ه.ق. شهر آبادی بود و در مرز غربی فارس واقع بود، می‌نویسد: «مهروبان شهری است بزرگ، بر لب دریا نهاده، بر جانب شرق و بازارهای بزرگ دارد، و جامعی نیکو...»^(۴۱)

نتیجه‌گیری

اسلام جهت تحقق آرمانهای اجتماعی و مذهبی خود به شهر نیاز داشت. تاریخ اسلام با پی‌ریزی و ایجاد انواع مختلف شهر آغاز شده است. شهرهایی که با استفاده از شبکه شهری دوره آنتیک بنا گردیده ولی تغییرات وسیعی در آن ایجاد شده است.

بدون شک، اماکن مذهبی در شهرهای اسلامی از عناصر بنیادی اسکلت شهری و فرهنگ اسلامی به شمار می‌آیند.

اماکن مذهبی در شهرهای اسلامی از آغاز فاقد سازماندهی در فضای شهری بوده است. این اماکن مختص تأمین نیازهای روحی ساکنین محله خاصی بنا نگردیده بودند، بلکه با توجه به گرایشهای عقیدتی گروههای مختلف مذهبی ساخته شده و در هر یک از آنها افرادی با عقاید نسبتاً یکسان، بدون محدودیت محله‌یی رفت و آمد می‌کردند. نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که کلیه اماکن مذهبی یاد شده، برای جذب جمعیت بیشتر با یکدیگر در رقابت بوده‌اند. این یکی از تفاوت‌های عمده بین سازماندهی شهرهای اسلامی و شهرهای مسیحی به شمار می‌آید. شهر مسیحی در غرب، تقریباً از قرن نهم تا دهم میلادی به بعد شاهد یک نوع سازماندهی کلیسایی در فضای شهری بود. کلیساهایی که جزء قلمرو یک کشیش بودند. فضای شهری در شهر اروپا به بخشهای معینی تقسیم شده‌اند که در هر یک از آنها کلیسایی قرار دارد. هر شهروند، عضو کلیسای (Paroisse) منطقه محل سکونت خود می‌باشد.^(۴۲) یک فرد مسیحی باید نیایش روز یکشنبه را در کلیسای محل خود برگزار نماید؛ در حالی که یک فرد مسلمان مکان مذهبی خود را بدون محدودیت از نظر موقعیت جغرافیایی انتخاب می‌کند.

مدل شهر اسلامی کلاسیک در آغاز دارای یک مرکز تجمع سیاسی - مذهبی بود. به گونه‌ای که ذکر شد، محل زندگی خلیفه و نمایندگان وی در مجاورت مسجد واقع شده بود، به نحوی که غالباً با راهرو خاصی به سالن نیایش مربوط می‌شد. با افزایش تعداد اماکن مذهبی در شهر و با روی کار آمدن سلاطینی که تظاهر به داشتن اعتقادات مذهبی می‌کردند، قصر سلطان در خارج از محدوده شهری و دور از مسجد ساخته شد و بتدریج یک مرحله در شهرسازی اسلامی به وجود آمد و مفهوم یک شهر که در آن دو کانون مجزا و دو قطب فعالیت با کارکردهای متفاوت شکل گرفت ظاهر شد. از این دوره به بعد جدایی کامل اماکن مذهبی و بناهایی که جهت رسیدگی به امور مدنی و سیاسی ساخته شده بودند مشاهده می‌شود. البته زمانی که سلاطین برای خود قصر و یا قلعه‌ای بنا می‌کردند، سنت ایجاد مسجد در کنار و یا در داخل قصر را حفظ می‌کردند؛ ولی این مساجد مفهوم واقعی

در فضای معنوی شهر نداشتند و از اهمیت زیادی برخوردار نبودند و فقط سلاطین و خانواده آنها و نگهبانان اجازه رفت و آمد در این اماکن را داشتند.

از دوره چهارم به بعد نیز بناهای عظیم با معماری زیبا و باشکوه ساخته شده بود که در آن، مکان مذهبی در مجاورت یا در مقابل مرکز اداره امور شهری قرار داشت. این گونه بناها در ایران بعد از مغول مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال: در شهرسازی اصفهان، در دوره صفویه قصر سلطان در مقابل مکان مذهبی واقع شده است. لازم به توضیح است که مورد ذکر شده جزء استثنائات به شمار می‌آید و از طرفی این مجاورت مسجد و قصر را نمی‌توان به عنوان یگانگی دین و دولت و مذهب و کارگزاران حکومتی دانست.

در امپراطوری عثمانی، سلاطین عثمانی در استانبول از قرن پانزدهم میلادی به بعد به ساختن بناهای مذهبی‌ای تمایل می‌ورزیدند که مستقل از بناهای غیرمذهبی باشند.

این دوره را می‌توان دوره قطع کامل میان افراد مذهبی و قدرت سیاسی دانست. از این پس هیچ رابطه ارگانیکی بین این دو وجود ندارد. فرمانداران، خصوصاً در ناحیه خاورمیانه ترک‌ها و در مصر مملوک‌ها بودند که غالباً ریشه محلی نداشتند و مذهبیون و روشنفکران به دور از قدرت سیاسی زندگی می‌کردند.

به این ترتیب ما به یک مدل شهری کاملاً متفاوتی با مدل شهری اسلامی کلاسیک که تنها دارای یک مرکز تجمع سیاسی - مذهبی بود می‌رسیم، مدلی که در آن، تکرر اماکن مذهبی و قطع کامل ارتباط بین افراد مذهبی و قدرت سیاسی مشاهده شده است.

یادداشتها

- 1- William, Marcais. "L'islamisme et la vie urbaine", *Compte renduel' academie des inscriptions et belles*, Paris 1928: C.A.R.I, PP. 86-100.
- ۲- فسطاط (Fostat) نخستین شهری است که مسلمانان در مصر ساختند و در محلی که امروزه "البابه" نام دارد، قرار داشت و امروزه چیزی جزء خرابه مسجد عمر و ویرانه‌ای باقی نمانده است. (محمد معین، فرهنگ فارسی)
- ۳- شهر مسیحی "بابیلون" (Babylone) بابل (معرب بابیل، ba-bi-lu ، باب ایل، باب الله، دروازه خدا، است. Bawri) شهر قدیمی در بین‌النهرین که خرابه‌های آن در ساحل فرات، در ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بغداد واقع است. (محمد معین، فرهنگ فارسی)
- ۴- احمد اشرف، ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران "نامه علوم اجتماعی"، دوره ۱، شماره ۴، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، صص ۱۴-۱۵.
- 5- Leonardo Benevolo. *Histoire de la ville*, Ed; Parentheses, 1983, P 153-154.
- ۶- در مورد ساختار تجاری شهرهای اسلامی به عنوان یک عنصر تعیین کننده این شهرها، می‌توان به منابع زیر که در کتاب آندره ریمون، شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، ترجمه حسین سلطانزاده، انتشارات آگاه، تهران، ص ۱۵۸ معرفی شده است مراجعه کرد:
- Eugen With, "Zum probiem des bazaars (sug Carai)", *Der Islam* 51-52 (1974-1975) and "Villes islamiques, Villes arabes, Villes orientales? Une problematique face au changement." In A. Bouhdiba and D. eds, *la ville arabe dans l'Islam* (Tunis, 1982) Quotation, P. 198.
- ۷- احمد اشرف، پیشین، صص ۱۳-۱۴.
- ۸- سید محسن حبیبی، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸، ص ۴۳.

۱۷۹ پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی / سال اول / شماره سوم / سال ۸۰

۹- نگاه کنید به همان، ص ۷۵ و ص ۱۰۵ در مورد شهرهای کوفه و بصره نگاه کنید به حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۸۸.

10- Explication du plan de KUFA, (memoire de l'Institut Francais d'archeologie Orientale)

۱۱- حسین سلطانزاده، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، نشر آبی تهران، ۱۳۶۵، ص ۸۹. به نقل از بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۱۰.

۱۲- «فروم» (Forum) رومی یا «اگورا» (Agora) یونانی مکانی است که قلب شهر قبل از اسلام بوده و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، بازرگانی و مذهبی در این مکان انجام می‌شد.

13- Leonardo BENEVOLO, fig 409, P. 154.

۱۴- نگاه کنید به حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، پیشین، ص ۱۸۹.

۱۵- نگاه کنید به همان، ص ۲۰۶.

۱۶- حسین سلطانزاده، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، پیشین، ص ۲۷۶. به نقل از ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ سوم، ۱۳۵۲، ج اول، ص ۴۲۱.

۱۷- حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ص ۲۰۵.

۱۸- سیدمحسن حبیبی، از شار تا شهر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۴۳.

۱۹- رابرت هیلن براند، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵.

۲۰- نگاه کنید به همان، ص ۸۱. مطالعات فرهنگی

۲۱- نگاه کنید به همان، ص ۱۰۶، در مورد مسجد مدینه نگاه کنید به حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ص ۱۹۰.

۲۲- حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، پیشین، ص ۲۰۶. (نقل از ابن خلدون، مقدمه، جلد اول، ص ۴۲۳)

- تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی..... ۱۸۰
- ۲۳- نگاه کنید به سید محسن حبیبی، پیشین، ص ۴۴، به نقل از یعقوبی، البلدان، ترجمه محمود ابراهیم آیتی، سیما ی بغداد.
- ۲۴- نگاه کنید به رابرت هیلن براند، پیشین، ص ۱۱۲-۱۱۴.
- ۲۵- حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، پیشین، ص ۱۲۳. به نقل از علی مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه مرتضی راوندی، ص ۲۳۷.
- ۲۶- نگاه کنید به سید محسن حبیبی، پیشین، ص ۴۵.
- ۲۷- نگاه کنید به حسین سلطانزاده، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، پیشین، ص ۲۳۷.
- ۲۸- حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، پیشین، ص ۱۱۹-۱۲۰، نقل از آندره گدار، هنر ایران، ص ۴۱۵.
- ۲۹- همان، به نقل از اوژینو گالدیری، مسجد جامع اصفهان، ترجمه حسینعلی سلطانزاده پسیان، ص ۲۴.
- ۳۰- همان.
- ۳۱- احمد اشرف، پیشین، ص ۳۱.
- مؤلف در ص ۳۱-۳۲ مقاله یاد شده از قول مورخین و جغرافی‌دانانی چون یاقوت حموی، حمدالله مستوفی و دیگران به ذکر نمونه‌هایی از درگیری‌های مذهبی در شهرهای نیشابور، مرو، ری، قزوین و برخی نقاط دیگر می‌پردازد.
- ۳۲- محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه نظامیه.
- ۳۳- نگاه کنید به سید محسن حبیبی، پیشین، ص ۴۵. به نقل از احمد اشرف، ویژگی‌های شهرنشینی.
- ۳۴- حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، پیشین، ص ۱۷۸.
- ۳۵- برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به همان، ص ۱۷۹.
- ۳۶- همان، ص ۱۷۹-۱۸۰.
- ۳۷- نگاه کنید به همان.
- ۳۸- نگاه کنید به همان، ص ۱۸۲.

۱۸۱ پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی / سال اول / شماره سوم / سال ۸۰

۳۹- نگاه کنید به همان، ۱۸۳.

۴۰- نگاه کنید به همان، ص .

۴۱- نگاه کنید به لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای شرقی، ترجمه محمود

عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۹۴.

۴۲- Paroisse، در فرهنگ فرانسوی «رَبْر» چنین معنی شده است: «حوزه کلیسایی

(محدوده تحت نفوذ یک کلیسا) که در آن تشکیلات یک کشیش انجام وظیفه

می‌کند.»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی

- ۱- قرآن کریم: انتشارات اُسوه، وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه، ترجمه الهی قمشه‌ای ۱۳۷۲، ۶۰۴ صفحه.
- ۲- اشرف، احمد: ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۴، ۱۳۵۳.
- ۳- حبیبی، سیدمحسن: از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۸.
- ۴- ریمون، آندره: شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، ترجمه حسین سلطان‌زاده، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۰.
- ۵- سلطان‌زاده، حسین: روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۲.
- ۶- سلطان‌زاده، حسین: مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، انتشارات نشر آبی، تهران، ۱۳۶۵.
- ۷- لسترنج: جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۴.
- ۸- معین، محمد: فرهنگ فارسی، ۶ جلدی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۹- هیلین براند رابرت: معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، تهران، ۱۳۷۷.

منابع فرانسوی

- 1- Benevolo, Leonardo. Histoire de la ville, Traduit de l'italien par Catherine Peyre, Ed; Parentheses, 1983, P. 509.
- 2- Marcias, William. "L'islamisme et al vis urbaine" compte rendu de L'academie des inscriptions et belles letters, Paris 1928: C.A.R.I. PP. 86-100.
- 3- Planhol, Xavier de. Le monde islamique, essai de geographie religieuse, Paris, P.U.F, 1957, P. 146.
- 4- Planhol, Xavier de. les fondements geographiques de L'histoire de L'Islam, Paris, Flammarion, 1986, P. 442.
- 5- Robert, Paul. Dictionnaire petit Robert 1, S.N.L., 1982, P. 2171.
- 6- : Explication du plan de KUFA, (memoire de L'Institu Francais de L'Archeologie Orientale)

